

## درگیری قره‌باغ، درس‌ها و دست‌ها

درگیری روزهای اخیر در منطقه مورد اختلاف بین آذربایجان و ارمنستان توجهات را به سمت قفقاز جنوبی سوق داده است.



به گزارش آران نیوز، سعدالله زارعی طی یادداشتی در روزنامه کیهان نوشت: درگیری روزهای اخیر در منطقه مورد اختلاف بین آذربایجان و ارمنستان توجهات را به سمت قفقاز جنوبی سوق داده است. در این بین «انگیزه» و عامل اول بحران امنیتی «ناگورنو» قره‌باغ، به مهمترین سوالات آن تبدیل گردیده است اما آنچه در این بین گفتنی است:

1- جمهوری خودمختار قره‌باغ که در درون جمهوری آذربایجان قرار گرفته و در همان حال در سیاست دفاعی و خارجی از «ایروان» تبعیت می‌کند، مهمترین مناقشه امنیتی با کشش بسیار در منطقه قفقاز به حساب می‌آید. از نظر زمانی، شعله‌ور شدن، آتش درگیری در این منطقه، می‌تواند عامل مهمی برای فعال شدن گروه‌های تروریستی در منطقه قفقاز باشد از این رو برخلاف گذشته، هیچکس تردید ندارد که اگر شعله‌ای در این نقطه افروخته شود، سرد شدن آن به این آسانی میسر نیست.

2- قفقاز فی‌نفسه به دلیل تنوع قومیتی و مذهبی و نیز به دلیل حرمانی که طی حدود 70 سال حاکمیت شوروی بر آن تحمیل گردیده است، یک نقطه قابل اشتعال به حساب می‌آید همین امروز بخش زیادی از نیروهای داعش در سوریه و عراق را اتباع این منطقه به خود اختصاص داده‌اند. اگر این تروریست‌ها در سوریه و عراق تحت فشار شدید امنیتی قرار بگیرند، «قفقاز جنوبی» بدون تردید یکی از اصلی‌ترین نقاط ملاقات آنان خواهد بود.

در اینجا بعضی از تحلیل‌گران مسایل منطقه‌ای معتقدند، غرب برای منصرف کردن روسیه از مقابله جدی و موثر علیه داعش و جبهه النصره، جبهه قره‌باغ را که از سال 1373 تاکنون تقریباً غیرفعال بوده است، فعال کرده‌اند. اما جدای از اینکه ما این نظر را تایید یا رد کنیم، واقعیت مطلب آن است که طی ماه‌های اخیر - از نیمه مه‌ماه گذشته که روسیه رسماً علیه تروریست‌های سوریه وارد عمل شد - غرب تلاش گسترده‌ای کرده است تا بر جمع‌بندی مقامات مسکو تاثیر بگذارد. ولادیمیر پوتین با این جمع‌بندی نیروی هوایی خود را وارد عملیات علیه تروریست‌های سوریه کرد که درگیری با تروریست‌هایی که به نوعی در منطقه قفقاز نیز ریشه دارند، آتش درگیری را از مرزهای روسیه دور می‌کند. درگیری‌های روزهای اخیر قره‌باغ که با دلیل موجهی هم شروع نشد و علی‌الظاهر هیچکدام از دو دولت تمایلی به این درگیری نداشتند، خواه‌ناخواه حاوی این پیام به مسکو است که از قضا درگیری روسیه در سوریه می‌تواند شعله‌های نزاع در قفقاز را مدلل کرده و قدرت‌های غربی را نسبت به فعال‌سازی درگیری در این منطقه متقاعد می‌گرداند. اما البته در اینکه قدرت چنین هشدار چه میزان باشد و آیا بتواند بر جمع‌بندی مقامات کرملین اثر بگذارد یا نه، تردیدهایی وجود دارد.

3- «موضع آمریکا در این نزاع چیست؟» ظواهر قضیه می‌گویند که آمریکایی‌ها نقشی در این درگیری‌ها نداشته و اصولاً موافق آن هم نیستند. بعضی از تحلیل‌گران سیاسی با اشاره به همزمانی درگیری‌های اخیر قره‌باغ با حضور علی‌اف و سرکیسیان روسای جمهوری آذربایجان و ارمنستان در واشنگتن و مذاکرات آنان با مقامات آمریکایی، گفته‌اند این درگیری‌ها در نقطه مقابل منافع آمریکا است. اما اگر از یک منظر تاریخی به موضوع نگاه کنیم می‌توانیم بگوییم در منازعه میان آذربایجان و ارمنستان، آمریکا هیچگاه بطور واقعی بی‌طرف نبوده است. آمریکایی‌ها از سال 1373 که بیشترین دوره ریاست برای گروه «مینسک» - مرکب از روسیه، آمریکا و فرانسه - را در دست داشته‌اند، یک قدم به سمت توافق بین دو کشور نرفته و عملاً با گذشت 22 سال کاری نکرده است این در حالی است که مقامات آذربایجان برای جلب نظر آمریکایی‌ها بطور متعدد به واشنگتن رفته و امتیازات بزرگی شامل انعقاد قرارداد موسوم به «قرارداد قرن» به آمریکایی‌ها دادند. براساس این قرارداد شرکت‌های بزرگ نفتی تحت رهبری بریتیش پترولیوم، امتیاز اکتشاف نفت در سه حوزه خزر را بدست آوردند. مضاف بر این مقامات آذربایجان بارها از مواضع آمریکایی‌ها نسبت به قره‌باغ انتقاد کرده و آمریکایی‌ها یک بار در سال 1388 موضع جانبدارانه‌ای نسبت به ادعای ارمنستان بر قره‌باغ گرفتند و «خانه آزادی» که توسط مقامات آمریکایی تغذیه می‌شود و تلاش می‌کند تا روند تحولات در کشورهای منطقه را مدیریت کند نیز به گونه‌ای تحریک‌آمیز موضع جانبدارانه‌ای نسبت به ادعاهای ایروان به قره‌باغ گرفت که خشم مردم آذربایجان را در پی داشت. آمریکایی‌ها یک بار هم تلاش کردند تا از طریق یک انقلاب مخملی بر دوران حکومت «علی‌اف» به آذربایجان پایان دهند این در حالی است که آمریکایی‌ها حفظ ثبات کشور مسیحی - ارمنستان - و حفظ موقعیت مسیحی‌ها در قره‌باغ که اکثریت با آنان است را ترجیح می‌دهند. آمریکایی‌ها در دامن زدن به آشوب در مناطق دنیا چیرگی خاصی دارند مدیریت بحران سوریه و عراق که آمریکا بشدت دنبال دست یافتن به آن است، ما را نسبت به حضور یا غیبت سرویس‌های آمریکا در بحران قره‌باغ بدگمان می‌کند.

4- در بحران قره‌باغ دولت باکو موضع خویشتندارانه‌تری داشت. دو روز پس از درگیری‌هایی که از روز شنبه 14 فروردین‌ماه جاری آغاز شد وزارت دفاع آذربایجان اعلام کرد که بطور یک جانبه به درگیری‌ها پایان داده است و این در حالی بود که سخنگوی وزارت دفاع ارمنستان توقف درگیری را «تله رسانه‌ای» نامید. اما جدای از این مسئله، این سوال وجود دارد که بالاخره حق با کدام کشور است. واقعیت این است که قره‌باغ یک منطقه‌ای در درون جمهوری آذربایجان است و در کل دنیا به غیر از «بوتسوانا» در جنوب آفریقا و واتیکان در ایتالیا، هیچ کشور دیگری در درون کشوری دیگر موضوعیت پیدا نکرده است. این در حالی است که ارمنستان با اشاره به اکثریت جمعیت ارمنی منطقه قره‌باغ آن را بخشی از خاک خود به حساب آورده و از سال 1370 یعنی بلافاصله پس از فروپاشی شوروی این منطقه را با حمایت از یک دولت خودمختار ارمنی به خود ضمیمه کرد که خود این منشأ یک درگیری 4 ساله شد. درگیری‌هایی که با تشکیل کار گروه سه جانبه مینسک به آتش‌بس ناپایدار منتهی گردید. با این وصف و براساس منطق سرزمینی به هر حال قره‌باغ بخشی از خاک آذربایجان است و با امنیت ملی آن پیوندی وثیق دارد. ارمنستان در این بین با تکیه بر منطق جمعیتی به قره‌باغ به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر خاک ارمنستان می‌نگرد و در این پرونده از دو مزیت نسبی برخوردار است. مزیت اول این است که جمعیت ساکن در قره‌باغ اکثراً از موضع ارمنستان پشتیبانی می‌نمایند. مزیت دوم آن به قدرت برتر نظامی ارمنستان نسبت به آذربایجان بازمی‌گردد. جمهوری ارمنستان با تکیه بر این دو مزیت به یک سیاست خارجی فعال شکل داده و توانسته است تا حدودی از ظرفیت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای هم استفاده کند. روابط ایروان با مسکو، تهران، پاریس در این دوران تا حد زیادی بهتر از روابط باکو با این پایتخت‌ها بوده است. آذربایجان در این میان عمدتاً تلاش کرده است تا با بهره‌گیری از سپر حمایت غرب به نوعی رقابت با ایران و روسیه را مدیریت کند اما لحن انتقادی که طی ماه‌های اخیر از سوی مقامات باکو علیه دخالت غربی‌ها به گوش می‌رسد، نشان می‌دهد که این سیاست قرین موفقیت نبوده است.

الهام علی‌اف در سفر اخیر به تهران نشان داد که چرخش سیاست خارجی آذربایجان را یک ضرورت می‌داند. سفر اخیر او به تهران کامل و توأم با دستاوردهای مهم بود. اظهارات الهام پس از بازگشت به باکو هم نشان داد که آذربایجان در این چرخش نگاه جدی است. آذربایجان نمی‌تواند یک منطقه ویژه و نابرخوردار از فعل و انفعالات منطقه‌ای تلقی شود. افراط‌گرایی و جنگ به اندازه دیگران برای آذربایجان هم یک تهدید تلقی می‌شود. واقعه قره‌باغ و سوءظن‌هایی که درباره نقش آمریکا در آن وجود دارد بر جدانپذیری آذربایجان و ارمنستان از بقیه منطقه تاکید کرده است. الهام علی‌اف به خوبی می‌داند که رابطه باکو و تل‌آویو می‌تواند بهانه‌ای کافی برای پیدایی دو قطبی ثبات و آشوب در آذربایجان شود که اینک باکو از حساسیت مشترک روسیه و ایران نسبت به رفت و آمد هیات‌های نظامی و غیرنظامی اسرائیلی به آذربایجان آگاه است.

5- درگیری دو روزه «ناگورنو» متوقف شد و ایران به سهم خود در این توقف نقش ارزشمندی ایفا کرد اما اگر حوادث تلخ به عبرت بیانجامد می‌تواند منشأ شکل‌گیری یک ساز و کار

منطقه‌ای برای پیشگیری از وقوع رویدادهای تلخ شود. تجربه می‌گوید مدل مینسک کارآمدی ندارد. ایران، روسیه، ترکیه به همراه آذربایجان و ارمنستان می‌توانند فرمول بهتری را برای حل بحران قره‌باغ و بحران‌های مشابه در دسترس قرار دهند.